

پاسخ آزمون (۱۱) انسانی - راهبرد ۱ / تاریخ: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶ به نام خدا تعداد سوال: ۷۶ / زمان: ۷۵ دقیقه

۱ - گزینه ۴ ابتدا داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم:

$$۲, ۲, ۴, ۵, ۸, ۱۰, ۱۲ \Rightarrow \text{دامنه تغییرات} = ۱۲ - ۲ = ۱۰$$

$$Q_1=۲ \quad \text{میانه}=۵ \quad Q_3=۱۰$$

$$\text{دامنه تغییرات} = ۱۰ - ۲ = ۸ \Rightarrow \text{داده‌های جدید: } ۲, ۴, ۵, ۸, ۱۰$$

$$\text{درصد تغییرات} = \frac{۸ - ۱۰}{۱۰} \times ۱۰۰ = \frac{-۲}{۱۰} \times ۱۰۰ = -۲۰$$

۲۰ درصد کاهش می‌یابد.

۲ - گزینه ۲ اگر سن علی را x فرض کنیم، در این صورت میانگین سن علی و دوستانش برابر است با:

$$\bar{x} = \frac{x + ۱۸ + ۲۰ + ۲۸ + ۳۰}{۵} \Rightarrow \bar{x} = \frac{x + ۹۶}{۵}$$

$$\bar{x}=۲۴ \rightarrow \frac{x + ۹۶}{۵} = ۲۴ \Rightarrow x + ۹۶ = ۱۲۰ \Rightarrow x = ۲۴$$

۳ - گزینه ۱ داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم:

$$\underbrace{۷, ۷, ۸, ۹, ۱۰, ۱۰}_{Q_1 = \frac{۸+۹}{۲} = ۸,۵}, \quad ۱۱ \quad (Q_3 \text{ میانه}), \quad \underbrace{۱۲, ۱۲, ۱۳, ۱۴, ۱۴, ۱۵}_{Q_3 = \frac{۱۳+۱۴}{۲} = ۱۳,۵}$$

پس داده‌های بین چارک اول و چارک سوم عبارتند از:

$$۹, ۱۰, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۲, ۱۳$$

در نتیجه میانه آنها برابر است با: ۱۱

۴ - گزینه ۴ نمرات ۲۰ (بیشترین) و ۹ (کمترین) را حذف می‌کنیم:

$$۱۱, ۱۲, ۱۴, ۱۴, ۱۵, ۱۵, ۱۵, ۱۶$$

$$\bar{x} = \frac{۱۱ + ۱۲ + ۱۴ + ۱۴ + ۱۵ + ۱۵ + ۱۵ + ۱۶}{۸} \Rightarrow \bar{x} = ۱۴$$

$$\sigma = \sqrt{\frac{۳^2 + ۲^2 + ۰ + ۰ + ۱^2 + ۱^2 + ۱^2 + ۲^2}{۸}} \Rightarrow \sigma = \sqrt{\frac{۹ + ۴ + ۱ + ۱ + ۱ + ۴}{۸}} = \sqrt{۲,۵} \approx ۱,۶$$

۵ - گزینه ۱ ابتدا مجموع داده‌ها را در هر گروه به دست می‌آوریم:

$$\text{مجموع گروه اول} = \text{تعداد} \times \text{میانگین} = ۸ \times ۴ = ۳۲$$

$$\text{مجموع گروه دوم} = \text{تعداد} \times \text{میانگین} = ۴ \times ۸ = ۳۲$$

$$\bar{x}_{\text{کل}} = \frac{\text{مجموع کل}}{\text{تعداد کل}} = \frac{۳۲ + ۳۲}{۸ + ۴} = \frac{۶۴}{۱۲} = \frac{۱۶}{۳}$$

۶ - گزینه ۳ میانگین واریانس داده‌های x_1, x_2, \dots, x_n برابر است با:

$$\bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n}$$

$$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$$

واریانس داده‌های ۴, ۵, ۳, ۷, ۵ برابر است با:

$$\bar{x}_1 = \frac{۴ + ۵ + ۳ + ۷ + ۵}{۵} = ۵$$

$$\sigma_1^2 = \frac{(۴ - ۵)^2 + (۵ - ۵)^2 + (۳ - ۵)^2 + (۷ - ۵)^2 + (۵ - ۵)^2}{۵} = \frac{۱ + ۰ + ۴ + ۴ + ۰}{۵} = ۲$$



$$\text{واریانس: } \sigma_p^2 = \frac{(11-11)^2 + (15-11)^2 + (7-11)^2 + (13-11)^2 + (9-11)^2}{5} = \frac{0 + 16 + 16 + 4 + 4}{5} = 8$$

واریانس داده‌های 9, 13, 7, 15, 11 برابر است با:

$$\text{میانگین } \bar{x}_p = \frac{11 + 15 + 7 + 13 + 9}{5} = 11$$

در نتیجه:

$$\Rightarrow \frac{\sigma_1^2}{\sigma_p^2} = \frac{2}{8} = \frac{1}{4}$$

7 - گزینه 2 طبق فرمول میانگین داریم:

$$\text{میانگین} = \frac{\text{مجموع کل داده‌ها}}{\text{تعداد کل داده‌ها}} = \frac{137}{10} = 13,7$$

برای به دست آوردن میانه، ابتدا داده‌ها را مرتب می‌کنیم: از آنجایی که تعداد داده‌ها زوج است، میانه برابر میانگین دو داده وسط است:

$$9, 10, 12, 5, 13, \underbrace{13, 14}_{\text{میانه} = \frac{13+14}{2} = 13,5}, 15, 16, 17, 17, 5$$

در نتیجه:

$$\text{تفاضل میانه از میانگین} = 13,7 - 13,5 = 0,2$$

8 - گزینه 1 هنگامی انحراف معیار داده‌ها باهم برابرند که باهم مساوی باشند:

$$2a + 1 = b + 2 = c + 1 = 5 \Rightarrow \begin{cases} 2a + 1 = 5 \rightarrow a = 2 \\ b + 2 = 5 \rightarrow b = 3 \\ c + 1 = 5 \rightarrow c = 4 \end{cases}$$

واریانس داده‌های 2, 3, 4 را حساب می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{2 + 3 + 4}{3} = 3$$

$$\sigma^2 = \frac{(2-3)^2 + (3-3)^2 + (4-3)^2}{3} = \frac{1 + 0 + 1}{3} = \frac{2}{3}$$

$$\sigma = \sqrt{\frac{2}{3}}, \quad \text{میانه} = 3$$

$$\Rightarrow \text{نسبت مطلوب: } \frac{\sqrt{\frac{2}{3}}}{3} = \frac{\sqrt{2}}{3\sqrt{3}} \times \frac{\sqrt{3}}{\sqrt{3}} = \frac{\sqrt{6}}{9}$$

۹ - گزینه ۳ طبق رابطه میانگین، ابتدا میانگین را در حالت اول به دست می آوریم:

$$x_1, x_2 + 1, x_3 + 2, x_4 + 3$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + 1 + x_3 + 2 + x_4 + 3}{4} \Rightarrow x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + 6 = 4\bar{x}$$

$$\Rightarrow x_1 + x_2 + x_3 + x_4 = 4\bar{x} - 6 \quad (1)$$

در حالت دوم برای میانگین داده‌ها داریم:

$$\bar{x}' = \frac{2x_1 + 2x_2 + 1 + 2x_3 + 2 + 2x_4 + 3}{4} = \frac{2(x_1 + x_2 + x_3 + x_4) + 6}{4}$$

$$\bar{x}' \cdot \frac{2(4\bar{x} - 6) + 6}{4} = \frac{8\bar{x} - 12 + 6}{4} = \frac{8\bar{x} - 6}{4} = 2\bar{x} - \frac{3}{2}$$

۱۰ - گزینه ۱

$$x_n - x_1 = R \quad \text{دامنه تغییرات اولیه:}$$

دامنه تغییرات جدید را حساب می کنیم:

$$(x_n - k) - (x_1 - k) = x_n - k - x_1 + k = x_n - x_1 = R$$

مشاهده می شود دامنه تغییرات جدید همان دامنه تغییرات اولیه است.

نکته: اگر به همه داده‌های آماری مقدار ثابتی بیفزاییم (یا کم کنیم)، دامنه تغییرات تغییر نمی کند.

۱۱ - گزینه ۲ تشریح عبارتهای نادرست:

الف) خانواده زبانی چینی - تبتی دومین خانواده بزرگ زبانی از نظر تعداد سخنگوست.
ت) امروزه برخلاف گذشته، با توجه به گسترش رسانه‌ها، نوع دوم پخش فرهنگی غالب است.

۱۲ - گزینه ۲ تشریح عبارتهای نادرست:

الف) امروزه بیش از یک و نیم میلیارد نفر از مردم جهان مسلمان اند و علاوه بر آسیا و آفریقا در سایر قاره‌ها نیز پراکنده شده اند.
ب) در بین عناصر فرهنگی، دین نقش مهمی در خلق چشم اندازهای فرهنگی دارد.

ث) دین مسیحیت در آسیا ظهور کرد؛ اما امروزه شمار پیروان آن در قاره‌های اروپا، آمریکا، استرالیا و نیوزلند و کشورهای مرکزی و جنوبی آفریقا، بیش تر است.

۱۳ - گزینه ۲ الف) بیش تر جمعیت ایالت کبک کانادا به زبان فرانسوی صحبت می کنند و زبان رسمی این ایالت، فرانسوی است.

ب) دین ها بر قوانین اجتماعی، عقاید، رفتارها و ارزش های اخلاقی، آیین ها و مراسم و نیز پدیده های قابل مشاهده مانند بناها و آثار هنری تأثیر زیادی دارند.
پ و ت) مردم مرکز آفریقا پیرو آیین آتیمیسیم (مذاهب قبیله ای) هستند.

۱۴ - گزینه ۴ پیروان «دین یهود»، به صورت پراکنده در شهرها و نواحی بزرگ جهان زندگی می کنند و سرزمین مشخصی ندارند.

دین مسیحیت در آسیا ظهور کرد اما امروزه شمار پیروان آن در قاره های اروپا، آمریکا، استرالیا و نیوزلند و کشورهای مرکزی و جنوبی آفریقا بیش تر است. این موضوع نشانگر پدیده پخش یا انتشار، می باشد.

۱۵ - گزینه ۴ تشریح عبارتهای نادرست:

ب) فرهنگ اسلامی در شمال قاره آفریقا رواج دارد.

ت): دین مسیحیت در آسیا ظهور کرد اما امروزه شمال پیروان آن در قاره های اروپا، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند و کشورهای مرکزی و جنوبی آفریقا بیش تر است.

۱۶ - گزینه ۳ الف) پلانتیشن عبارت است از زمین های وسیع کشاورزی که به تولید یک محصول خاص اختصاص دارد.

ب) گندم از محصولات پلانتیشن محسوب نمی شود.

ج) در گذشته برخی از تاجران ثروتمند، مزارع تجاری وسیع تک محصولی (پلانتیشن) را به ویژه در جنوب ایالات متحده احداث کردند.

د) بیشتر مزارع تک محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاهای واقع شده اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان استفاده کرد.

۱۷ - گزینه ۳ شهر علمی تسوکوبا در ژاپن از مهم ترین مراکز علمی و فناوری جهان است. صنایع «های تک»، به طور عمده با میکروالکترونیک ها و ریزپردازنده ها سروکار دارند و پیشرفت آن ها بر مبنای نوآوری و رقابت است. پارک های علمی و فناوری معمولاً در نزدیکی قطب های صنعتی ایجاد می شوند و از تحقیقات دانشگاهی استفاده می کنند.

۱۸ - گزینه ۴ در کشاورزی معیشتی، تولید محصول یا پرورش دام بیشتر در حد مصرف خانوار کشاورز یا فروش محلی صورت می گیرد و میزان تولید و سود اقتصادی کم است.

۱۹ - گزینه ۱ بررسی گزینه نادرست:

شرکت های چندملیتی در خارج از مرزهای کشور مبدأ فعالیت می کنند.

۲۰ - گزینه ۱ غرب - آلمان - شمال - چین - کلکته و بمبئی

۲۱. **گزینه ۴** در قرون وسطا ارباب نیز اموری را انجام می داد که باعث می شد کلیه حقوق متعلق به شاه را از آن خود کند: ۱. از زیردستان خود مالیات می گرفتند و قضاوت می کردند؛ بعضی مواقع حکم اعدام هم صادر می کردند. ۲. حق اعلان جنگ و صلح و پرچم و لوای مخصوص به آن را داشتند. ۳. آنان در قلعه های عظیم که به منزله پایتختشان بود، استقرار داشتند.

۲۲. **گزینه ۲** به سلسله ای از جنگ های مذهبی گفته می شود که مسیحیان به دعوت پاپ و به فرماندهی شاهان و اشراف اروپایی علیه مسلمانان برپا کردند. این جنگ ها حدود دو بیست سال (۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱ م - ۴۹۰ تا ۶۹۰ ق) طول کشید و چون مسیحیان شرکت کننده در آن، نشان صلیب را بر لباس و پرچم های خود نصب کرده بودند، به جنگ های صلیبی، شهرت یافت.

۲۳. **گزینه ۳** در پایه دهم خواندید که امپراتوری روم، در روزگار کنستانتین به دلایل مشکلات اداری و اقتصادی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد؛ شرقی همان بیزانس است که در سال ۱۴۵۳ م توسط ترکان عثمانی فتح شد و امپراتوری روم غربی نیز توسط ژرمن ها نابود شد.

۲۴. **گزینه ۴** فرانک ها، طایفه ای از ژرمن ها بودند که با تصرف سرزمین گل (تقریباً همان فرانسه امروزی)، حکومت خود را بنیان نهادند. بررسی سایر گزینه ها، گزینه «۱»: فرانک ها مسیحی شدند. / گزینه «۲»: پادشاهی فرانک ها در زمان شارلمانی به اوج قدرت رسید. / گزینه «۳»: فرانک ها با اتحاد با کلیسای رم، قلمرو خود را به سرزمین های مجاور گسترش دادند.

۲۵. گزینه ۱. در درس چهاردهم خواندید که در دوره صفوی، علوم تجربی و ریاضیات رو به افول گذاشت. تنها برخی از متون کهن پزشکی مانند قانون ابن سینا و برخی متون قدیمی ریاضی و نجوم در مدارس تدریس می‌شد، همچنین در اروپای قرون وسطا، آموزش رسمی به زبان لاتین بود و بر دانش‌های الهیات مسیحی، فلسفه و منطق تأکید می‌شد و به علوم تجربی و مهندسی توجهی نمی‌شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: در اروپا حقوق و طب مورد توجه قرار گرفت و نخستین مدارس به تدریس آن‌ها پرداختند. / گزینه «۳»: کتاب قانون ابن سینا تدریس می‌شد. / گزینه «۴»: در اروپای قرون وسطا، الهیات مسیحی با اقبال روبه‌رو شد.

۲۶. گزینه ۳. سرف‌ها اجازه نداشتند که ملک ارباب خود را ترک کنند اما در عین حال مانند برده نیز نبودند که قابل خرید و فروش باشند.

۲۷. گزینه ۲. پرتغالی‌ها با مال‌التجاره‌ای شامل فلفل و سنگ‌های قیمتی از سفر دریایی موفقیت‌آمیزی به سرزمین خود بازگشتند و از آن سود زیادی به دست آوردند. مدتی بعد دولت پرتغال ناوگان دریایی خود را به فرماندهی آلبو کرک به هند گسیل کرد؛ وی توانست تعداد اندکی پایگاه تجاری - نظامی را در جزایر و سواحل خلیج فارس، هندوستان و چین تأسیس کند. این اقدامات به منزله نخستین گام‌های اروپاییان برای استعمار سرزمین‌های دیگر محسوب می‌شود.

۲۸ **گزینۀ ۱** — بعد از پرتغال، پادشاهی تازه یکپارچه‌شده اسپانیا که از قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی فزاینده‌ای برخوردار شده بود، به کشف راه‌ها و سرزمین‌های جدید پرداخت. کریستف کلمب ایتالیایی که با نظریهٔ کروی بودن زمین آشنایی داشت، پادشاه و ملکهٔ اسپانیا را تشویق کرد که از طرح او برای رسیدن به هند با عبور از اقیانوس اطلس پشتیبانی کنند. سفر دریایی کلمب با حمایت ملی اسپانیا انجام گرفت و در نهایت به کشف قارهٔ آمریکا منجر شد. پس از آن شمار زیادی از مردم اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی با انگیزهٔ کسب ثروت و دستیابی به زمین، راهی آن قاره شدند.

۲۹ **گزینۀ ۱** — نخستین مسئله‌ای که ذهن لوتر را به خود مشغول ساخت، ارتباط ایمان با انجام دادن کارهای نیک بود و نه آمرزش گناهان توسط کلیسا. او در طی مطالعات و تأملات گسترده‌اش در باب آیین مسیحیت و کتاب مقدس به این نتیجه رسید که برخلاف دیدگاه غالب کلیسا، آنچه مایهٔ رستگاری انسان می‌شود، ایمان است نه انجام دادن کارهای نیک! لوتر با ابراز این نظر در واقع به جنگ با کلیسا برخاست. وی بعداً بر پایهٔ همین نظر خود بود که مسئلهٔ آمرزش گناهان توسط کلیسا در برابر پرداخت پول و انجام برخی خدمات را مورد نقد قرار داد. او خدا را پدری مهربان می‌شمرد که بی‌هیچ چشمداشتی گناهان را می‌بخشد.

۳۰ **گزینۀ ۳** — پاپ با تکفیر لوتر از امپراتور مقدس روم خواست او را سرکوب کند اما شاهزادگان آلمانی از لوتر حمایت کردند و به پاپ و امپراتور اعتراض (پروتست) کردند. از این‌رو، به آنان پروتستان می‌گویند. لوتر هرچند دنبال تأسیس آیین و کلیسای جدیدی نبود، ولی تلاش‌هایش در نهایت به این موضوع ختم شد. بعدها اصلاحات لوتر در خارج از آلمان توسط کسانی چون ژان کالون در سوئیس دنبال شد.

۳۱ **گزینۀ ۳** — توصیف صورت سؤال مربوط به داوینچی است. شام آخر و لبخند زکوند یا مونالیزا، اثر اوست.

۳۲ **گزینۀ ۳** — پاپ با تکفیر لوتر از امپراتور مقدس روم خواست او را سرکوب کند اما شاهزادگان آلمانی از لوتر حمایت کردند و به پاپ و امپراتور اعتراض (پروتست) کردند. از این‌رو، به آنان پروتستان می‌گویند.

مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.
- به دنبال اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.
- بیداری را در بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.
- بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.
- برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به سنت‌های اسلامی را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند قدرت جوامع غربی به این دلیل است که عملکرد آن‌ها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.
- بیدارگران نخستین به‌رغم رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، آشنایی عمیق با فرهنگ غرب و ابعاد دنیوی آن نداشتند. آن‌ها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند.

- برخی از آنان از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند و حتی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند ← روشنفکران چپ (نسل دوم روشنفکران)
- برخی از آنان فکر می‌کردند که دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آنان اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز هست ← نخستین بیدارگران اسلامی
- با فروپاشی بلوک شرق این جریان در کشورهای اسلامی جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند ← روشنفکران چپ (نسل دوم روشنفکران)
- در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن گفتند و در نهایت با حمایت کشورهای غربی در جوامع خود حکومت‌های سکولار را تشکیل دادند ← منورالفکران غرب‌گرا (نسل اول روشنفکران)

- عالمان دینی برای اصلاح برخی رفتارهای پادشاهان قاجار تلاش می‌کردند.
- جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است.
- برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکتی اصلاحی بود.
- این تجربه موفق (جنبش تنباکو)، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به جنبش عدالتخانه منجر شد.

- (الف) پس از گذشت بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و نیم قرن از حاکمیت پهلوی، انقلاب اسلامی ایران رخ داد.
- (ب) امام خمینی^(ع) انقلاب را هنگامی آغاز کردند که شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت.
- (ج) فعالیت رقابت‌آمیز امام خمینی^(ع) با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد.
- (د) انقلاب اسلامی، بازگشت مردم ایران به حرکت نامایی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند.

انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم تفاوت‌هایی دارد:

- (۱) انقلاب‌های آزادی‌بخش اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند، ولی انقلاب اسلامی ایران به هیچ‌یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز جهت‌گیری ضد آمریکایی، ضد صهیونیستی و ضد مارکسیستی خود را اعلان کرد.
- (۲) انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند، اما انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همه اقشار و گروه‌های جامعه را دربرگرفت.
- (۳) انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتب چپ شکل می‌گرفتند که برای حل بحران‌های جهان غرب به‌وجود آمده بودند، ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب تعلق نداشت.
- (۴) انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند، ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند و به همین سبب استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها در چهره استعمار نو بازمی‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند، اما انقلاب اسلامی ایران فقط یک انقلاب سیاسی نبود، بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی به‌وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

کدام مورد، در رابطه با روشنفکران چپ کشورهای اسلامی، درست است؟

- ۱) مورد حمایت بلوک شرق - عدم اعتراض به نسل اول به دلیل اسلام‌ستیزی - تداوم جاذبه پس از فروپاشی بلوک شرق
- ۲) حرکت اجتماعی برخی از آنان به صورت مکاتب غیرتوحیدی - مورد حمایت بلوک غرب - تداوم جاذبه تا حفظ جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهانی
- ۳) خودداری برخی از آنان از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم - سازمان دادن حرکت‌های خود در چارچوب اندیشه‌های لیبرالیستی - مورد حمایت بلوک غرب و شرق
- ۴) سازمان دادن حرکت‌های خود در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی - تداوم جاذبه تا هنگام فروپاشی بلوک شرق - اعتراض به نسل اول روشنفکران نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های سرمایه‌داری و لیبرالیستی

پاسخ: گزینه ۴ (دشوار - خط به خط - ۱۱۱۳)

پاسخ تشریحی:

روشنفکران چپ کشورهای اسلامی حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دادند تا هنگام فروپاشی بلوک شرق جاذبه داشتند و به نسل اول روشنفکران نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های سرمایه‌داری و لیبرالیستی معترض بودند.

نخبگان غرب‌گرایی که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند، نسل دوم روشنفکران را شکل دادند. این گروه تحت تأثیر جریان چپ در کشورهای اروپایی بودند. این نسل به عنوان روشنفکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می‌شود.

«ممانعت از موفقیت جنبش‌های نخستین بیدارگران اسلامی» و «تشکیل حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی» به ترتیب، توسط چه گروهی و با حمایت کدام دولت‌ها صورت گرفت؟

- ۱) نسل دوم غرب‌زدگان - دولت‌های استعماری غربی
- ۲) نسل دوم غرب‌زدگان - دولت‌های تازه تأسیس در مناطق اسلامی
- ۳) نسل اول غرب‌زدگان - دولت‌های استعماری غربی
- ۴) نسل اول غرب‌زدگان - دولت‌های تازه تأسیس در مناطق اسلامی

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - مفهومی - ۱۱۱۳)

پاسخ تشریحی:

متورالفکران (نسل اول روشنفکران غرب‌گرا) حکومت‌های سکولار را در کشورهای اسلامی تشکیل دادند و از موفقیت جنبش‌های نخستین بیدارگران جلوگیری کردند که گزینه‌های «۱ و ۲» حذف می‌شود. متورالفکران توسط دولت‌های غربی حمایت شدند که گزینه «۴»، حذف می‌شود.

نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.

مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.

برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در بازگشت به اسلام نمی‌دانستند بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.

مفهوم امت و ملت اسلامی برای آن‌ها بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.

ویژگی‌های
متورالفکران
غرب‌گرا

«هدف جنبش عدالتخانه»، «نتیجه جنبش عدالتخانه»، «علت انقلاب اجتماعی نامیده شدن جنبش عدالتخانه» و «معنای مشروطه نزد عالمان دینی و منورالفکران» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱) تغییر شیوه زمامداری پادشاه - انتقال حاکمیت از مدار استبداد کبیر به استبداد صغیر - تغییر ساختار سیاسی و حقوقی جامعه - مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی - حاکمیت سکولار
- ۲) اصلاح شیوه زمامداری پادشاه - انتقال حاکمیت از مدار استبداد به مدار عدالت - تغییر ساختار سیاسی جامعه - مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی - حاکمیت سکولار
- ۳) اصلاح رفتار خاصی در پادشاه - انتقال حاکمیت از مدار خودکامگی به مدار مردم‌گرایی - تغییر ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه - در هر دو مشروط کردن حاکمیت به احکام مصوب در مجلس شورا
- ۴) تغییر رفتار خاصی در پادشاه - انتقال حاکمیت از مدار خودکامگی به مدار مردم‌گرایی - تغییر ساختار سیاسی جامعه - در هر دو مشروط کردن حاکمیت به احکام مصوب در مجلس شورا

(دشوار - مفهومی - ۱۱۱۴)

پاسخ: گزینه ۲



- هدف جنبش عدالتخانه: اصلاح شیوه زمامداری پادشاه (تغییر نادرست است).
- نتیجه جنبش: انتقال حاکمیت از مدار استبداد به مدار عدالت. هر چند که این حاکمیت، حاکمیت آرمانی مد نظر تشیع نبود.
- علت انقلاب اجتماعی نامیده شدن جنبش عدالتخانه: تغییر ساختار سیاسی جامعه
- معنای مشروطه در نزد عالمان دینی و منورالفکران: عالمان دینی مشروطه را مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی می‌دانستند و منورالفکران مشروطه را حاکمیت سکولار همانند دولت انگلستان می‌دانستند.

برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکتی اصلاحی بود. آن‌ها برای اصلاح برخی رفتارهای پادشاهان قاجار تلاش می‌کردند. جنبش تنباکو، نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است. این تجربه موفق، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به «جنبش عدالتخانه» منجر شد.

به ترتیب پاسخ «نتیجه شکست رهبران دینی پس از مشروطه»، «سازمان‌یافته‌ترین گروه سیاسی چپ»، «آغاز فعالیت رقابت‌آمیز امام خمینی» و «تمام‌کننده حرکت ناقصی که با مشروطه آغاز شده بود» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱) بازگشت به موضع فعالیت رقابت‌آمیز - حزب توده - اعتراض به رفتار شاه - انقلاب اسلامی
- ۲) بازگشت به موضع فعالیت رقابت‌آمیز - فدائیان خلق - اعتراض به کاپیتولاسیون - ملی شدن صنعت نفت
- ۳) بازگشت به موضع مقاومت منفی - حزب توده - اعتراض به کاپیتولاسیون - انقلاب اسلامی
- ۴) بازگشت به موضع مقاومت منفی - فدائیان خلق - اعتراض به رفتار شاه - ملی شدن صنعت نفت

(دشوار - مفهومی - ۱۱۱۴)

پاسخ: گزینه ۳



- نتیجه شکست رهبران دینی پس از مشروطه بازگشت به دوران قبل از مشروطه که موضع مقاومت منفی است.
- سازمان‌یافته‌ترین گروه سیاسی چپ، حزب توده بود که توسط حکومت پهلوی سرکوب شد.
- آغاز فعالیت رقابت‌آمیز امام خمینی: اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه
- تمام‌کننده حرکت ناقصی که با مشروطه آغاز شده بود: انقلاب اسلامی



امام خمینی به عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیت رقابت‌آمیز، با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد ولی در حد یک حرکت اصلاحی نماند و به صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.

گروه آموزشی ماز

کدام یک به ترتیب در ارتباط با دیدگاه منورالفکران غرب‌گرا و بیدارگران اسلامی در رابطه با مشروطه، درست است؟

۴۲

- ۱) تدوین قوانین انسانی عادلانه برای کنترل رفتار پادشاهان قاجار - تنظیم قوانین انسانی و ایجاد حاکمیت سکولار
- ۲) عدم تنظیم قوانین بر مدار احکام شریعت - اصلاح قوانین تدوین شده بر مدار خواست بشر
- ۳) تنظیم قوانین بر اساس خواست و اراده بشر - تنظیم قوانین تدوین شده بر پایه احکام اسلام
- ۴) ایجاد حاکمیت سکولار مانند حاکمیت دولت انگلستان - تأسیس مجلس و اصلاح قوانینی بر مدار خواست بشر

(متوسط - مفهومی - ۱۱۱۴)

پاسخ: گزینه ۳



پاسخ شریعی

با اوج‌گیری جنبش عدالتخانه، منورالفکران غرب‌زده به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانه انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز از همراهی منورالفکران استقبال کردند و این نام را پذیرفتند اما منظور عالمان دینی از مشروطه با منورالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منورالفکران، مشروطه را نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان می‌دانستند. از نظر منورالفکران مشروطه‌خواه، مجلس محلی بود که در آن، قوانین نه بر پایه احکام اسلام بلکه براساس اراده و خواست بشر تنظیم و تدوین می‌شد.



به ترتیب مصداق‌های «الف»، «ب» و «پ» کدام هستند؟

۴۳

- ۱) انقلاب‌های آزادی‌بخش - استبداد استعماری - جنبش عدالتخانه
- ۲) بیدارگران اسلامی - ایجاد ساختارهای اجتماعی استعماری جدید - جنبش تنباکو
- ۳) جنبش‌های زیر نفوذ بلوک شرق - حذف ساختارهای اجتماعی پیشین - انجام واجبات نظامیه
- ۴) حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان - در هم ریختن نظم پیشین - تلاش در جهت حذف سلطه سیاسی غرب

عملکرد	افراد و جریان‌ها
اصلاح ساختار سیاسی	«پ»
حذف کارگزاران مستقیم غرب	«الف»
منورالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی	«ب»

(دشوار - ترکیبی - ۱۱۱۴)

پاسخ: گزینه ۱



پاسخ شریعی

- انقلاب‌های آزادی‌بخش ← حذف کارگزاران مستقیم غرب
- استبداد استعماری ← رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌زده در کشورهای اسلامی
- جنبش عدالتخانه ← از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد یک انقلاب اجتماعی بود.



انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب، موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ و به همین سبب، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهره استعمار نو باز می‌گشت و این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند.

- هر یک از موارد زیر، به ترتیب مربوط به کدام بخش از مسیر تاریخی اقتصاد ایران است؟
- حاکمان وقت تصور درستی از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود نداشتند و نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند.
 - در این دوران کشورهای دیگر منطقه (مثل مصر و ترکیه (امپراطوری عثمانی)، سوریه و لبنان) در روند تجارت و گسترش تولید و صادرات محصولات کشاورزی، رشد مطلوبی داشتند.
 - برقراری خطوط تلگراف به اروپا
 - نظم جهانی در آن دوران، اقتصاد ایران را به سمت وابستگی به قدرت‌های جهانی سوق داد.
 - دولت با هدف ایجاد توسعه به اجرای طرح‌های عمرانی متعدد پرداخت و بخشی از درآمدهای نفتی صرف ساخت‌وساز شد.
 - احکام اقتصادی اسلام، پایه قواعد و مقررات اقتصادهای موفق مانند آسیای غربی و جنوب غربی قرار گرفت.

- ۱) نیمه اول حکومت صفویه، دوران حکومت پهلوی، دوران حکومت قاجار، دوران حکومت پهلوی، دوران شکوفایی تمدن اسلامی
- ۲) دوره پایانی حکومت صفویه، دوران حکومت قاجار، دوران حکومت پهلوی، دوران حکومت قاجار، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۳) دوره پایانی حکومت صفویه، دوران حکومت قاجار، دوران حکومت پهلوی، دوران حکومت پهلوی، دوران شکوفایی تمدن اسلامی
- ۴) نیمه اول حکومت صفویه، دوران حکومت پهلوی، دوران حکومت قاجار، دوران حکومت پهلوی، دوران حکومت قاجار، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

(درس ۱۰ - مسیر تاریخی اقتصاد ایران)

پاسخ: گزینه ۳

- پاسخ تشریحی** ● حاکمان وقت تصور درستی از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود نداشتند و نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند: دوره پایانی حکومت صفویه
- در این دوران کشورهای دیگر منطقه (مثل مصر و ترکیه (امپراطوری عثمانی)، سوریه و لبنان) در روند تجارت و گسترش تولید و صادرات محصولات کشاورزی، رشد مطلوبی داشتند: دوران حکومت قاجار
 - برقراری خطوط تلگراف به اروپا: دوران حکومت قاجار
 - نظم جهانی در آن دوران، اقتصاد ایران را به سمت وابستگی به قدرت‌های جهانی سوق داد: دوران حکومت پهلوی
 - دولت با هدف ایجاد توسعه به اجرای طرح‌های عمرانی متعدد پرداخت و بخشی از درآمدهای نفتی صرف ساخت‌وساز شد: دوران حکومت پهلوی
 - احکام اقتصادی اسلام، پایه قواعد و مقررات اقتصادهای موفق مانند آسیای غربی و جنوب غربی قرار گرفت: دوران شکوفایی تمدن اسلامی

کدام گزینه در رابطه با واقعیت نادرست است؟

- ۱) وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان با نام استقلال اقتصادی شناخت. با این حال استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست و هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد.
- ۲) اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش‌بنیان که در برابر تهدیدات و تکان‌های داخلی و خارجی آسیب‌ناپذیر است.
- ۳) مقاوم‌سازی اقتصادی به معنای آن است که مجموع نیروهای مولد، شرکت‌ها، مؤسسات تولیدی و خدماتی یک کشور، روی پای خود بایستند تا بتوانند در صورت به وجود آمدن بحران، تمامی نیازهای اساسی و حیاتی‌شان را خودشان تولید و تأمین کنند و وابسته به بیگانگان نباشند.
- ۴) اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «خودکفایی»، «نوآوری»، «آسیب‌زدایی» و «شناسایی کانون‌های ضعف و بحران» بر مقاوم‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

(درس ۱۰ - اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی)

پاسخ: گزینه ۴

- پاسخ تشریحی** اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «ثبات اقتصادی»، «استحکام اقتصادی»، «تاب‌آوری اقتصاد» و «پایداری» بر مقاوم‌سازی اقتصاد تأکید می‌کنند.

هر یک از جملات زیر به ترتیب با کدام دوران تاریخی اقتصاد ایران در ارتباط است؟

- در این دوران لغو قرارداد رژی و بیانیه‌هایی در حمایت از تولید ملی، چندان در جبران کاستی‌ها اثربخش نبود.
- مصادف با این دوران، کشورهای مصر و ترکیه در روند تجارت و گسترش تولید و صادرات محصولات کشاورزی رشد مطلوبی داشتند.
- در این دوران نظم جهانی، اقتصاد ایران را به سمت وابستگی به قدرت‌های جهانی سوق داد.
- در این زمان عدم توانایی دولتمردان در انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، باعث شد جریان پیشرفت و نوسازی در کشور آغاز نشود.

- (۱) دوران قاجار - دوران قاجار - حکومت پهلوی - دوره پایانی حکومت صفویه
- (۲) حکومت پهلوی - دوران قاجار - نیمه اول حکومت صفویه - حکومت پهلوی
- (۳) دوران قاجار - حکومت پهلوی - حکومت پهلوی - نیمه اول حکومت صفویه
- (۴) حکومت پهلوی - حکومت پهلوی - دوران قاجار - دوره پایانی حکومت صفویه

(درس ۱۰ - مسیر تاریخی اقتصاد ایران)

پاسخ: گزینه ۱

- عبارت‌های اول و دوم هر دو مربوط به حکومت قاجار است. (رد ۲ و ۳)
- ویژگی عمده حکومت پهلوی، جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود و نظم جهانی آن روز، اقتصاد ایران را به سمت وابستگی به قدرت‌های جهانی سوق داد، با این حال ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران همچنان پابرجا بود.
- در دوره پایانی حکومت صفویه، اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد و حاکمان وقت از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود تصور درستی نداشتند و نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند.

مفهوم «رفع مشکلات با اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی» با کدام عبارت متناسب است؟

- (۱) استقلال اقتصادی
- (۲) رشد اقتصادی
- (۳) اقتصاد پایدار
- (۴) اقتصاد مقاومتی

(درس ۱۰ - اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی)

پاسخ: گزینه ۳

- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش‌بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی، آسیب‌ناپذیر است و با اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان به زانو در نمی‌آید.
- ۱ و ۲ زیرمجموعه‌ای از اقتصاد مقاومتی هستند.

تست و پاسخ ۴۸

چند مورد از موارد زیر در تولید ناخالص داخلی کشور ایران محاسبه می‌شود؟

(الف) درآمد حاصل از فروش مواد مخدر

(ب) درآمد حاصل از خرید و فروش اتومبیل دست دوم

(ج) تعمیر کولر همسایه بدون دریافت دستمزد

(د) ارزش محصولاتی نظیر پنبه، نخ و پارچه به کاررفته در تولید پوشاک

(ه) ارزش تولیدات افراد ایرانی ساکن در خارج از کشور

(و) ارزش پولی تولیدات یک سال یک کارخانه چینی مستقر در داخل کشور ایران

۴ (۴)

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)

(درس ۱۱ - مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند.)

پاسخ: گزینه ۱

توسعه نامه

مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند.

به دلیل دشواری‌های محاسباتی، برخی از اقلام تولیدی در اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شوند:

اول، کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای

آنها رد و بدل نمی‌گردد؛ اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند!

دوم، ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی‌شوند. این قبیل کالاها زمانی

که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.

سوم، تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت‌بخشی به

این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

بررسی عبارتهای صورت سؤال:

(الف) درآمد حاصل از فروش مواد مخدر: در تولید ناخالص داخلی کشور ایران محاسبه نمی‌شود. تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق

که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت‌بخشی به این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

(ب) درآمد حاصل از خرید و فروش اتومبیل دست دوم: ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در

محاسبات لحاظ نمی‌شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.

(ج) تعمیر کولر همسایه بدون دریافت دستمزد: کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت

داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی‌گردد؛ اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند!

(د) ارزش محصولاتی نظیر پنبه، نخ و پارچه به کاررفته در تولید پوشاک: برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در

نظر می‌گیریم، نه محصولات واسطه‌ای را، چراکه کالاها و خدمات واسطه‌ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده‌اند و اگر آنها را هم جداگانه

محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می‌شویم.

(ه) ارزش تولیدات افراد ایرانی ساکن در خارج از کشور در محاسبات تولید ناخالص ملی منظور می‌گردد، نه تولید ناخالص داخلی.

(و) ارزش پولی تولیدات یک سال یک کارخانه چینی مستقر در داخل کشور ایران: در محاسبات تولید ناخالص داخلی ایران و همچنین تولید

ناخالص ملی چین منظور می‌گردد.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر:

الف) تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۱۳۹۰ چه قدر است؟

ب) تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۳۹۰ چه قدر است؟

ج) نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۳۹۰ چه قدر است؟

سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۹		کالا
مقدار (به کیلو)	قیمت (به ریال)	مقدار (به کیلو)	قیمت (به ریال)	
۲۵	۱۵۰	۵۰	۱۰۰	A
۳۰۰	۵۰	۱۵۰	۲۰	B

۱) الف) ۵۸۰۰ ریال / ب) ۱۷۸۵۰ ریال / ج) ۳۴٪

۲) الف) ۸۵۰۰ ریال / ب) ۱۸۷۵۰ ریال / ج) ۱۴۴٪

۳) الف) ۵۸۰۰ ریال / ب) ۱۷۸۵۰ ریال / ج) ۴۴٪

۴) الف) ۸۵۰۰ ریال / ب) ۱۸۷۵۰ ریال / ج) ۱۳۴٪

پاسخ: گزینه ۲

(درس ۱۱ - معایبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن)

هرگاه در صورت سؤال اشاره‌ای به این که کدام سال، سال پایه است، نشده بود، کم‌ترین سال را به عنوان سال پایه در نظر بگیرید؛ در نتیجه در این سؤال، سال ۱۳۸۹، سال پایه است.

الف)

(قیمت‌کالای A در سال ۸۹ × مقدار کالای A تولیدشده در سال ۹۰) = تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۹۰
 + (قیمت‌کالای B در سال ۸۹ × مقدار کالای B تولیدشده در سال ۹۰)

ریال ۸۵۰۰ = ۲۵۰۰ + ۶۰۰۰ = (۲۵ × ۱۰۰) + (۳۰۰ × ۲۰) = تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۹۰

ب)

(قیمت‌کالای A در سال ۹۰ × مقدار کالای A تولیدشده در سال ۹۰) = تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۹۰
 + (قیمت‌کالای B در سال ۹۰ × مقدار کالای B تولیدشده در سال ۹۰)

ریال ۱۸۷۵۰ = ۳۷۵۰ + ۱۵۰۰۰ = (۲۵ × ۱۵۰) + (۳۰۰ × ۵۰) = تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۹۰

ج)

(قیمت‌کالای A در سال ۸۹ × مقدار کالای A تولیدشده در سال ۸۹) = تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۸۹
 + (قیمت‌کالای B در سال ۸۹ × مقدار کالای B تولیدشده در سال ۸۹)

ریال ۸۰۰۰ = ۵۰۰۰ + ۳۰۰۰ = (۵۰ × ۱۰۰) + (۱۵۰ × ۲۰) = تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۸۹

۱۰۰ × $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۸۹} - \text{تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۹۰}}{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۸۹}}$ = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۹۰

درصد ۳۷۵ / ۱۳۴ = $\frac{۱۸۷۵۰ - ۸۰۰۰}{۸۰۰۰} \times ۱۰۰$ = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۹۰

طبق اطلاعات داده شده در جدول زیر، اگر اختلاف سهم دهک دهم و دهک اول در کشور D برابر با ۱۵ درصد باشد، آن گاه:

(الف) کدام کشور از لحاظ وضعیت توزیع درآمد نامناسب ترین وضعیت را دارد؟

(ب) اگر جمعیت کشور C برابر با ۳۰ میلیون نفر و درآمد سرانه آن ۵۰ دلار باشد، سهم دهک دهم از درآمد ملی در این کشور چه قدر است؟

کشور	سهم دهک اول	سهم دهک دهم
A	۳ درصد	۲۴ درصد
B	۴ / ۵ درصد	۲۰ درصد
C	۴ درصد	۱۸ درصد
D	؟	۲۰ درصد

(۱) الف / D / ب) ۲۷۰ میلیون دلار

(۲) الف / D / ب) ۲۵۰ میلیون دلار

(۳) الف / A / ب) ۲۷۰ میلیون دلار

(۴) الف / A / ب) ۲۵۰ میلیون دلار

پاسخ: گزینه ۱

(درس ۱۱ - شاخص دهک‌ها، وضعیت توزیع درآمد)

توسعه نامه وضعیت توزیع درآمد

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد}$$

هر چه این نسبت بیشتر، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است و بالعکس هر چه این نسبت کمتر، توزیع درآمد در آن جامعه مناسب تر است.

اقتصاددانان برای به دست آوردن شاخص مقایسه وضعیت توزیع درآمد می توانند روش های زیر را به کار گیرند:

• ۲۰ درصد بالا را نسبت به ۲۰ درصد پایین جامعه می سنجند:

$$\frac{\text{مجموع سهم دهک نهم و دهم}}{\text{مجموع سهم دهک اول و دوم}}$$

• ۱۰ درصد بالا را نسبت به ۴۰ درصد پایین جامعه می سنجند:

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{مجموع سهم دهک های اول تا چهارم}}$$

الف) در خصوص کشور D، داریم:

درصد ۱۵ = سهم دهک اول - سهم دهک دهم

$$\Rightarrow \text{درصد } ۵ = ۲۰ - ۱۵ = \text{سهم دهک اول} \Rightarrow \text{سهم دهک اول} = ۱۵ \Rightarrow \text{سهم دهک اول} = ۲۰$$

حال می توان شاخص دهک ها در کشور D را محاسبه نمود:

$$\text{کشور D: } \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۲۰}{۵} = ۴ = \text{شاخص دهک ها در کشور D}$$

$$\text{کشور A: } \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۲۴}{۳} = ۸ = \text{شاخص دهک ها در کشور A}$$

$$\text{کشور B: } \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۲۰}{۴/۵} = ۴/۴ = \text{شاخص دهک ها در کشور B}$$

$$\text{کشور C: } \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۱۸}{۴} = ۴/۵ = \text{شاخص دهک ها در کشور C}$$

هر چه شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهک ها - نسبت سهم دهک دهم به سهم دهک اول) بیشتر باشد: توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است و بالعکس؛ در نتیجه:

• وضعیت توزیع درآمد در کشور «A» با شاخص دهک های ۸ نامناسب تر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورهاست.

• وضعیت توزیع درآمد در کشور «D» با شاخص دهک های ۴، عادلانه تر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورهاست.

$$\frac{\text{درآمد ملی کشور}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{درآمد سرانه} \Rightarrow 50 = \frac{\text{درآمد ملی کشور}}{300,000,000}$$

$$\Rightarrow \text{میلیون دلار } 1,500 = \text{دلار } 1,500,000,000 = 50 \times 30,000,000 = \text{درآمد ملی کشور}$$

در کشور «C» دهک دهم از ۱۸ درصد درآمد ملی برخوردار است؛ در نتیجه خواهیم داشت:

$$\text{میلیون دلار } 270 = 1,500 \times \frac{18}{100} = \text{سهم دهک دهم از درآمد ملی در کشور «C»}$$

تست و پاسخ ۵۱

درست (د) یا غلط (غ) بودن عبارات زیر در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

الف) مؤلفه‌هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و شاخص‌های پایداری محیطی، تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.

ب) شاخص توسعه انسانی، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور را ارائه می‌دهد.

ج) در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۷۵ است و جزء کشورهای با توسعه‌یافتگی پایین به شمار می‌رود.

د) الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی (سازگار با فرهنگ ما) است.

ه) برخی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در طول سده‌های گذشته با استفاده از شاخص‌های توسعه و نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده‌اند، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده‌اند.

۱) غ - د - غ - د - غ

۲) غ - د - غ - د - غ

۳) د - د - غ - د - غ

۴) د - د - غ - د - غ

(درس ۱۱ - شاخص توسعه انسانی، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی)

پاسخ: گزینه ۲

بررسی عبارت‌های صورت سؤال:

الف) غلط است؛ مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.

ب) درست است.

ج) غلط است؛ در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ است و جزء کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا به شمار می‌رود.

د) درست است.

ه) درست است.

تست و پاسخ ۵۲

در کشوری با جمعیت ۴۰ میلیون نفر که ۲ میلیون نفر از آن‌ها خارجیان مقیم کشور هستند، در طول یک سال کالاها و خدمات زیر تولید شده است. به ترتیب تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه کدام است؟ (ارقام به میلیارد ریال و ریال است.)

کشاورزی	۴,۰۰۰ تن محصول به قیمت هر تن ۸۰۰ هزار ریال	۱
خدمات	$\frac{7}{5}$ بخش صنعت	۲
صنعت	۱۴ میلیارد ریال	۳

۱) ۴۴ / ۸ - میلیارد ریال - ۹۲۰ ریال

۲) ۴۴ / ۸ - میلیارد ریال - ۸۵۰ ریال

۳) ۳۶ / ۸ - میلیارد ریال - ۸۵۰ ریال

۴) ۳۶ / ۸ - میلیارد ریال - ۹۲۰ ریال

(درس ۱۱ - چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟ تولید (درآمد) ناخالص داخلی)

پاسخ: گزینه ۴

مشاوره خیلی وقتاً پیش میاد که تو صورت سؤال یه سری موارد ذکر می‌شه که تو فرایند پیدا کردن جواب، هیچ کمکی به ما نمی‌کنه. مثلاً تعداد خارجی‌ان مقیم کشور به دردمون نمی‌خوره، چون توی تولید ناخالص داخلی و همین‌طور توی جمعیت کشور، این افراد و تولیدات‌شون لحاظ شده و لازم نیست تغییری تو این موارد بدیم.

نکته به طور کلی، اقتصاد به سه بخش: صنعت، خدمات و کشاورزی تقسیم‌بندی می‌شود.

پاسخ تشریحی ابتدا باید ارزش بخش خدمات و ارزش بخش کشاورزی را به دست آوریم:

$$\text{میلیارد ریال} = \frac{14}{5} \times 14 = 19 \frac{1}{6} = \frac{14}{5} \times 14 = 19 \frac{1}{6} \quad (\text{ارزش بخش صنعت}) = \frac{Y}{5} \times$$

$$\text{میلیارد ریال} = \frac{3}{2} = 3 \text{ ریال} = 3,200,000,000 = 4,000 \times 800,000 = \text{ارزش بخش کشاورزی}$$

نکته برای تبدیل ریال به میلیارد ریال کافی است عدد را بر $1,000,000,000$ تقسیم کنیم.

برای به دست آوردن تولید ناخالص داخلی باید کلیه کالاها و خدماتی که تولید شده را با هم جمع کنیم:

ارزش تولیدات در بخش خدمات + ارزش تولیدات در بخش کشاورزی + ارزش تولیدات در بخش صنعت = تولید ناخالص داخلی

$$\text{میلیارد ریال} = \frac{36}{8} = 14 + 3 + 19 \frac{1}{6} = 36 \frac{1}{8}$$

برای به دست آوردن تولید ناخالص داخلی سرانه (سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید ناخالص داخلی)، باید تولید ناخالص داخلی را بر جمعیت کشور تقسیم کنیم:

$$\text{ریال} = 920 = \frac{36,800 \text{ (میلیون ریال)}}{40 \text{ (میلیون نفر)}} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{تولید ناخالص داخلی سرانه}$$

نکته اگر واحد تولید ناخالص داخلی برحسب میلیارد ریال باشد و شما بر جمعیت که برابر با میلیون نفر است تقسیم کنید، عددی که به دست می‌آورد برحسب هزار ریال است. اگر واحد تولید ناخالص داخلی برحسب میلیون ریال باشد و شما بر جمعیت که برابر با میلیون نفر است تقسیم کنید، عددی که به دست می‌آورد برحسب ریال خواهد بود.

راه حل میان‌بر:

توسوالاتی که هم تولید ناخالص داخلی رو از ما فواسته و هم تولید ناخالص داخلی سرانه رو. لازم نیست کلی جمع و تقسیم بکنیم؛ می‌شه با یه کار ساده به جواب رسید. یادت باشه آنگه تولید ناخالص داخلی سرانه رو تو جمعیت ضرب کنیم، تولید ناخالص داخلی به دست می‌آد. حالا کافیه بریم سراغ گزینه‌ها و مورد دوم گزینه‌ها رو تو جمعیت (۴۰ میلیون نفر) ضرب بکنیم تا مورد اول (تولید ناخالص داخلی) به دست بیار. هرگزینه که این رابطه تو اون برقرار بود، جواب درست ماست. به همین راحتی! 😊 بررسی گزینه‌ها:

قسمت اول گزینه $40,000,000 \times$ قسمت دوم گزینه

$$\text{قسمت اول گزینه} \neq \text{میلیارد ریال} = \frac{36}{8} = \text{ریال} = 36,800,000,000 = 920 \times 40,000,000 \quad \text{①}$$

$$\text{قسمت اول گزینه} \neq \text{میلیارد ریال} = 34 = \text{ریال} = 34,000,000,000 = 85 \times 40,000,000 \quad \text{②}$$

عدد داده‌شده برای قسمت دوم ② برابر با قسمت دوم ② است؛ در نتیجه نیاز به محاسبه دوباره نداره. فقط کافیه ببینید با قسمت اول ③ برابر است یا نه که مشاهده می‌شود، برابر نیست این گزینه هم نمی‌تواند پاسخ صحیح سؤال باشد.

عدد داده‌شده برای قسمت دوم ④ برابر با قسمت دوم ① است؛ در نتیجه نیاز به محاسبه دوباره نداره. فقط کافیه ببینید با قسمت اول ④ برابر است یا نه که مشاهده می‌شود برابر است و این گزینه پاسخ صحیح سؤال است.

$$\text{قسمت اول گزینه} = \text{میلیارد ریال} = \frac{36}{8} = \text{ریال} = 36,800,000,000 = 920 \times 40,000,000$$

توجه البته می‌تونستیم به پور دیگه هم بررسی کنیم ببینیم تو کدوم گزینه، مورد اول (تولید ناخالص داخلی) رو بر جمعیت تقسیم کنیم جواب برابر با قسمت دوم اون گزینه می‌شه. ولی از آن‌جا که ضرب کردن راحت‌تره، ما از راه اول به بررسی گزینه‌ها پرداختیم. در هر صورت پاسخ یکیه.

جدول زیر، مربوط به وضعیت توزیع درآمد در یک کشوری فرضی است. چنانچه:

سهم دهک اول	۴
سهم دهک دوم	۴
سهم دهک سوم	۵
سهم دهک چهارم	۵
سهم دهک پنجم	۶
سهم دهک ششم	۹
سهم دهک هفتم	۱۰
سهم دهک هشتم	۱۳
سهم دهک نهم	۴
سهم دهک دهم	۴
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

- تفاوت سهام اول و سوم: ۴ درصد
- تفاوت سهام اول و دهم: ۲۸ درصد
- تفاوت سهام هفتم و دوم: ۶ درصد

الف) شاخص دهکها در این کشور براساس فرمول 20 درصد بالا به 20 درصد پایین، برابر با چه عددی است؟
 ب) اگر درآمد ملی کشور برابر با 1500 میلیون دلار باشد، آن گاه سهم دهک پنجم از درآمد ملی برابر با چند میلیون دلار است؟
 ج) اگر بخواهیم وضعیت توزیع درآمد در این کشور را عادلانه تر کنیم، چه تغییری در سهم دهکها باید ایجاد کنیم؟

- ۱) الف) $4/9$ / ب) 85 / ج) سهم دهکهای بالای جامعه را افزایش داده و از سهم دهکهای پایین جامعه کم کنیم.
 ۲) الف) $2/10$ / ب) 85 / ج) سهم دهکهای بالای جامعه را کم تر کرده و به سهم دهکهای پایین جامعه اضافه کنیم.
 ۳) الف) $4/9$ / ب) 90 / ج) سهم دهکهای بالای جامعه را کم تر کرده و به سهم دهکهای پایین جامعه اضافه کنیم.
 ۴) الف) $2/10$ / ب) 90 / ج) سهم دهکهای بالای جامعه را افزایش داده و از سهم دهکهای پایین جامعه کم کنیم.

(درس ۱۱ - شاقش دهکها، وضعیت توزیع درآمد)

پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی الف)

$4 = \text{سهم دهک اول} - \text{سهم دهک سوم}$

درصد $1 = 4 - 5 = \text{سهم دهک اول} \Rightarrow 4 = \text{سهم دهک اول} - 5$

$28 = \text{سهم دهک اول} - \text{سهم دهک دهم}$

درصد $29 = 28 + 1 = \text{سهم دهک دهم} \Rightarrow 28 = 1 - \text{سهم دهک دهم}$

$6 = \text{سهم دهک دوم} - \text{سهم دهک هفتم}$

درصد $4 = 10 - 6 = \text{سهم دهک دوم} \Rightarrow 6 = \text{سهم دهک دوم} - 10$

برای به دست آوردن سهم دهک نهم، می دانیم مجموع سهم دهکها برابر با 100 می شود، در نتیجه خواهیم داشت:

(مجموع کل سهم دهکها به جز سهم دهک نهم) $= 100 - \text{سهم دهک نهم}$

درصد $18 = 100 - 82 = 100 - (1 + 4 + 5 + 5 + 6 + 9 + 10 + 13 + 29)$

$\frac{47}{5} = \frac{18 + 29}{1 + 4} = \frac{\text{سهم دهک نهم} + \text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک دوم} + \text{سهم دهک اول}} = \frac{20\% \text{ درصد بالا}}{20\% \text{ درصد پایین}} = \text{توزیع درآمد یا محاسبه نسبت } 20\% \text{ درصد بالا به } 20\% \text{ درصد پایین}$

ب) $90 = 1500 \times \frac{6}{100} = \text{سهم دهک پنجم از درآمد ملی}$ (میلیون دلار)

ج) شاخص دهکها از نسبت سهم دهکهای بالای جامعه به سهم دهکهای پایین به دست می آید. هر چه این نسبت کم تر باشد، نشان دهنده توزیع درآمد مناسب تر است؛ در نتیجه برای به دست آوردن عدد کم تر در این نسبت باید صورت کسر یعنی سهم دهکهای بالای جامعه مانند دهکهای دهم و نهم را کاهش داد و یا مخرج کسر یعنی سهم دهکهای پایین جامعه مانند دهکهای اول و دوم را افزایش داد.

کدام گزینه دربردارنده پاسخ صحیح پرسش‌های زیر است؟

الف) کدام گزینه به مؤلفه‌هایی که در شاخص توسعه انسانی منعکس می‌شوند، اشاره دارد؟

ب) چه هنگام می‌توانیم تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور داشته باشیم؟

۱) الف) میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، شاخص‌های پایداری کسب و کار/ب) هنگامی که توسعه را صرفاً به مفهوم کتی آن محدود کنیم و مواردی کیفی همانند بهداشت عمومی، امید به زندگی و وضعیت اشتغال را در نظر نگیریم.

۲) الف) نابرابری‌های جنسیتی، نرخ باروری، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی/ب) معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت ترکیب کنیم.

۳) الف) سرانه درآمد ناخالص ملی، نرخ باروری، نرخ تورم/ب) معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت ترکیب کنیم.

۴) الف) سرانه درآمد ناخالص ملی، نرخ تورم، شاخص‌های پایداری کسب و کار/ب) هنگامی که توسعه را صرفاً به مفهوم کتی آن محدود کنیم و مواردی کیفی همانند بهداشت عمومی، امید به زندگی و وضعیت اشتغال را در نظر نگیریم.

(درس ۱۱ - شاخص توسعه انسانی)

پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی

الف) شاخص توسعه انسانی (HDI): یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای ← اندازه‌گیری پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای گوناگون است.

● مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی.

۱) امید به زندگی در بدو تولد

۲) میانگین سال‌های تحصیل

۳) سرانه درآمد ناخالص ملی

۴) شاخص‌های نابرابری

● مؤلفه‌های منعکس‌شده در گزارش‌های توسعه انسانی.

۱) نرخ باروری

۲) نابرابری‌های جنسیتی

۳) دسترسی به آب آشامیدنی سالم

۴) بهداشت عمومی

۵) شاخص‌های فقر و پایداری محیطی، مثل: انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی

ب) اگر معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می‌آوریم. شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از این شاخص‌هاست و از این‌رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می‌دهد.

کدام فیلسوف، در عین اعتقاد به معتبربودن شهود، بحث از آن را به محلی غیر از کتب فلسفی خود، اختصاص می‌دهد؟

- (۱) شیخ اشراق (۲) علامه طباطبایی (۳) صدرالمآلهین (۴) ابن سینا

پاسخ: گزینه ۲

(فلسفه یازدهم - درس ۸)

درس نامه

- از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان
 - مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند.
 - برای شناخت و حیاتی هم، که اختصاص به پیامبران دارد، اعتبار خاصی قائل بودند.
 - نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.
- حکیم ابونصر فارابی و شیخ‌الرئیس ابن سینا

پاسخ تشریحی

فارابی و ابن سینا نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. ابن سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید. بررسی سایر گزینه‌ها: همگی به بهره‌مندی از شهود در فلسفه معتقدند، البته نه به عنوان مقدمه استدلال.

تست و پاسخ ۵۶

کدام عبارت با دیدگاه کانت مطابق است؟

- (۱) مواردی مانند خدا و روح مجرد انسان، شناخت‌های ذاتی انسان هستند.
 (۲) انسان در معرفت به مفاهیمی مانند زمان و مکان، نیازی به حس و تجربه ندارد.
 (۳) اگر چیزی را علت چیزی دیگر می‌دانیم، حتماً از حس و تجربه کمک گرفته‌ایم.
 (۴) آشنایی ذهن با اموری مانند علیت، مشابه آشنایی ذهن با روح مجرد در دیدگاه دکارت است.

(فلسفه یازدهم - درس ۸)

پاسخ: گزینه ۳

درس نامه

- قرن هجدهم میلادی
 - می‌خواست هم اعتبار عقل و هم تجربه را ثابت کند.
 - او به دنبال این بود که نشان دهد معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
 - بر آن است که قوه ادراکی انسان، تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آن‌ها را با حس و تجربه به دست نمی‌آورد ← انسان، آن‌چه را از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند.
 - انسان روشن‌شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی‌یابد.
 - مثال: وقتی می‌تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن‌شدن زمین است که به کمک مفهوم علیت که در دستگاه ادراکی است و از جایی نیامده، میان تصور طلوع خورشید و روشن‌شدن زمین، ارتباط برقرار کند.
- کانت

پاسخ تشریحی

از نظر کانت معرفت و شناخت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آن‌ها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آن‌چه را که از طریق حس به او رسید، در قالب این مفاهیم درک می‌کند؛ به عنوان مثال، انسان روشن‌شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی‌یابد؛ اما وقتی می‌تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن‌شدن زمین است که به کمک مفهوم علیت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده، میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن‌شدن زمین رابطه برقرار کند. بنابراین از نظر کانت ادراک رابطه علیت بین دو شیء، یک معرفت و شناخت است که حاصل همکاری حس و عقل بوده و حتماً حس و تجربه در آن نقش داشته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- 1) بحث شناخت‌های ذاتی، مربوط به دیدگاه دکارت است.
- 2) آشنایی با مفاهیمی مانند زمان و مکان از نظر کانت، نیازی به حس و تجربه ندارد؛ اما این موارد، معرفت و شناخت محسوب نمی‌شوند، بلکه قالب‌های ذهنی انسان هستند.
- 3) علیت در دیدگاه کانت، قالب ذهنی انسان است، اما آشنایی با روح مجرد در دیدگاه دکارت (نه کانت)، یک شناخت و معرفت محسوب می‌شود.

تست و پاسخ ۵۷

کدام گزینه دربارهٔ پوزیتیویست‌ها صحیح است؟

- 1) آن‌ها معتقدند آن دسته از مفاهیمی که تجربه‌پذیر نیستند، اصولاً وجود واقعی ندارند.
- 2) آن‌ها معتقدند که مهم‌ترین راه رسیدن به شناخت واقعیت تجربه است.
- 3) معتقدند که برداشت یا درک واقعیت از طریق عقل محض قابل انکار نیست.
- 4) آن‌ها روح یا نفس مجرد انسان را نفی یا اثبات نمی‌کنند.

(فلسفه یازدهم - درس ۸)

پاسخ: گزینه ۲

درس نامه

حرکت به سوی تجربه‌گرایی مطلق ← دیدگاه‌های جدید در میان تجربه‌گرایان ← «پوزیتیویسم» یا «اثبات‌گرایی»

تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند. ← پوزیتیویست‌ها
آن دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه‌پذیر نیستند و نمی‌توان آن‌ها را از طریق تجربه بررسی کرد ← بی‌معنا هستند.

مفاهیمی مانند { خدا، اختیار، نفس و روح } ← معنای روشنی ندارند و قابلیت بررسی علمی ندارند.

• اوگوست کنت از مؤسسان پوزیتیویسم است که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد.

پاسخ تشریحی پوزیتیویست‌ها جزء جریان‌های تجربه‌گرا هستند که معتقدند تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت، تجربه است (رد ۲ و ۳). علاوه بر این معتقدند که آن دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه‌پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی‌توانند مورد ارزیابی قرار گیرند، بی‌معنا هستند (رد ۱). بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه دربارهٔ نفی یا اثبات آن‌ها نمی‌تواند نظر بدهد، بی‌معنا هستند.

تست و پاسخ ۵۸

کدام عبارت درست است؟

- 1) ارسطو در مورد فعلیت‌های نفس در ابتدای تولد، با استادش موافق نیست.
- 2) داروینیست‌ها در مورد منشأ اصول اخلاقی با افرادی مانند توماس هابز اختلاف نظر دارند.
- 3) از زبان افلاطون می‌توان گفت: «ای برادر تو همه اندیشه‌های / مابقی خود استخوان و ریشه‌ای».
- 4) کانت اختیار را از وجود نفس مجرد نتیجه می‌گیرد، ولی دکارت، وجود نفس مجرد را از اختیار نتیجه می‌گیرد.

(فلسفه یازدهم - درس ۹)

پاسخ: گزینه ۱



ارسطو برخلاف افلاطون (نه مشابه او)، نفس را در ابتدای تولد، کاملاً بالقوه می‌دانست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

توماس هابز یک ماتریالیست است و ماتریالیست‌ها نیز مانند داروینیست‌ها، اصول اخلاقی را ابداعی می‌دانند.

در این بیت حقیقت برتر انسان، اندیشه دانسته شده، اما از نظر افلاطون حقیقت برتر انسانی نفس است که دارای اندیشه است، نه خود اندیشه.

دکارت بدن را محصور در قواعد فیزیکی می‌داند، اما معتقد است نفس که غیرمادی است، محکوم به این قواعد نیست و آزاد است. از نظر کانت، چون اختیار ویژگی ماده نیست، انسان نفس مجرد دارد؛ به عبارتی کانت، وجود نفس مجرد را از اختیار نتیجه می‌گیرد.

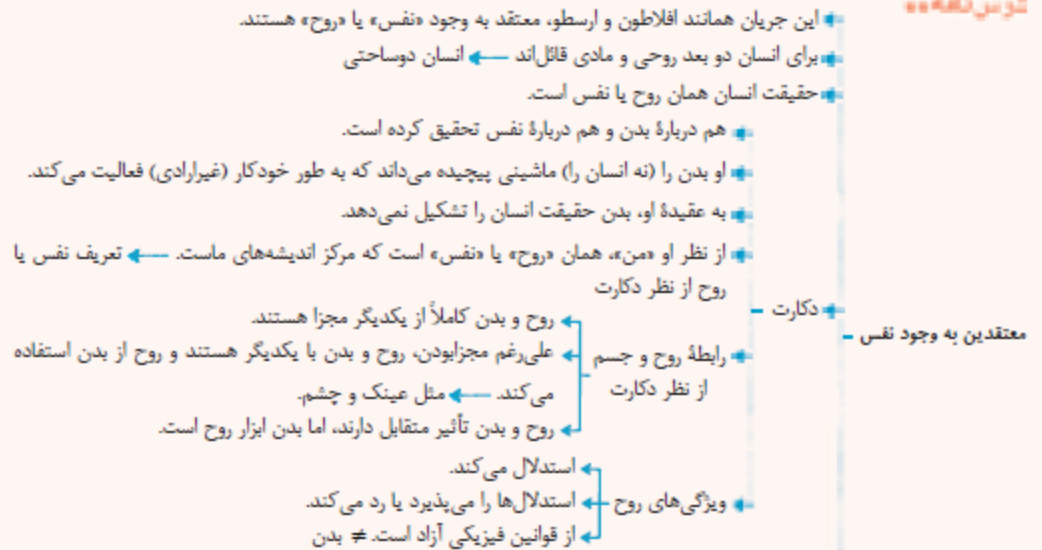
کدام گزینه دربارهٔ انسان‌شناسی کانت و دکارت درست است؟

- ۱) هر دو با استدلالی شبیه به یکدیگر وجود نفس یا روح مجرد را در انسان اثبات می‌کنند.
- ۲) کانت برخلاف دکارت که معتقد بود بدن حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، نفس را حقیقت انسان می‌داند.
- ۳) دکارت اعمال بدن را غیرارادی و خودکار می‌داند، چراکه تحت کنترل نفس است.
- ۴) دکارت معتقد بود که روح یا نفس مرکز اندیشه‌های انسان است و روح و بدن کاملاً با یکدیگر همراه و متحد هستند.

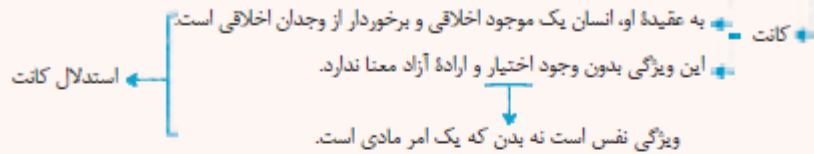
(فلسفه یازدهم - درس ۹)

پاسخ: گزینه ۲

توسعه نامه



با استدلالی متفاوت از دکارت به اثبات حقیقت نفسانی انسان، اراده و اختیار آن پرداخت.



به نظر دکارت نفس مرکز اندیشه‌های انسان است، اما بدن ماشین پیچیده‌ای است که غیرارادی عمل می‌کند، چراکه بدن ابزار نفس است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) استدلال کانت و دکارت با یکدیگر متفاوت بود.
- ۲) دکارت معتقد بود که «نفس یا روح» حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد.
- ۳) از نظر دکارت روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند.

تست و پاسخ ۶۰

کدام گزینه عامل اصلی توجه ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها به اخلاق و ابداع اصول اخلاقی است؟

- ۱) توجه به هویت فردی و اخلاقی انسان
- ۲) انسان مانند یک ماشین پیچیده است.
- ۳) انسان یک حیوان راست‌قامت است.
- ۴) جبر واردشده از طرف زیست اجتماعی انسان‌ها

(فلسفه یازدهم - درس ۹)

پاسخ: گزینه ۳

- اصولاً وجود «نفس» را انکار می‌کنند. «اصل مجرد و مستقل بودن «نفس» را انکار می‌کنند، نه کلیت آن را.
- انسان را موجودی مادی می‌دانند.
- نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می‌کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می‌آورند. — نفس مجرد و مستقل از بدن نیست.
- همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساحت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است.
- ماتریالیست‌ها معتقدند که ذهن و روان (نفس)، چیزی جز همان مغز و سلسله اعصاب انسان نیست — پس مادی‌گرایان کاملاً منکر نفس نیستند.
- انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه فراتر از آن — دقت کنید که دکارت بدن را ماشینی پیچیده می‌دانست — می‌توان گفت ماتریالیست‌ها نظر دکارت را قبول دارند، اما دکارت نظر ماتریالیست‌ها را نمی‌پذیرد.

معتقدین به انسان تک‌ساحتی

- توماس هابز — ماتریالیست قرن هفدهم انگلستان
- ذهن (مغز) انسان را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می‌کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی مثل موتور اتومبیل است.

- فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم
- انسان فقط یک موجود مادی است که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند.
- مارکس — نیازهای غیرمادی، مستقل از نیازهای مادی — نیاز به اجتماع، به خاطر نیازهای مادی نیستند و از آثار آن هستند — نیاز به اخلاق و ...

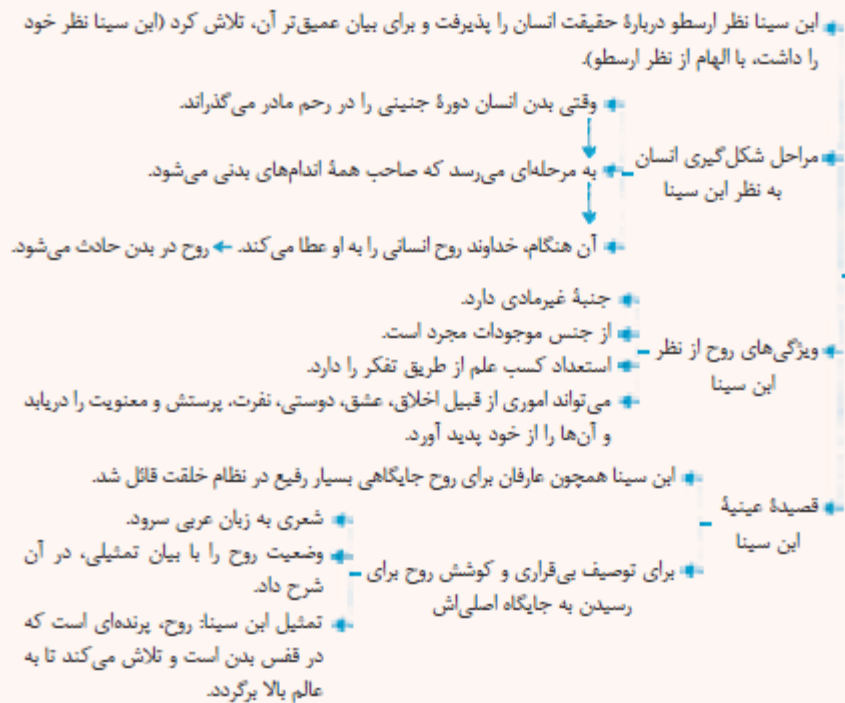
- فیلسوفان پیرو داروین (زیست‌شناس)
- عقاید نزدیک به ماتریالیست‌ها دارند.
- از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند.
- داروینیست‌ها معتقد بودند که انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست‌قامت، با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده‌تر است.
- انسان به‌جز پیچیدگی، تفاوت حقیقی یا واقعی با سایر حیوانات ندارد.
- علت: تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. — معلول: نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد.
- این ویژگی‌ها، فطری و ذاتی نیستند، بلکه قراردادی
- نظر درباره اخلاق و فضایل اخلاقی — است بر مبنای نیازهای مادی.
- زیست اجتماعی انسان‌ها آن‌ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی کرده است.

ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها که معتقدند تفاوت واقعی بین انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، می‌گویند: «اگر انسان به اخلاق و وظایف اخلاقی توجه می‌کند، به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان‌ها وارد زندگی اجتماعی شده‌اند و زیست اجتماعی آن‌ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.»

تست و پاسخ ۶۱

کدام گزینه نشان‌دهنده دیدگاه کسی است که قائل به حدوث روح در بدن است؟

- روح، پرنده‌ای در قفس است که بی‌قرار رهایی از آن و رسیدن به جایگاه اصلی‌اش می‌باشد.
- روح نورانی انسان، گرفتار غروب شده و تلاش می‌کند به مشرق عالم برسد.
- روح آخرین مرحله تکاملی انسان است که از جسم به روح رسیده است.
- اختیار و اراده که عامل به فعلیت رسیدن و محقق توانایی روح است، متعلق به بعد مجرد است.



حادث روح بر جسم یعنی اضافه شدن روح به جسم. این مطلب دیدگاه این سینا است. این سینا برای توصیف بی قراری روح در رسیدن به جایگاه اصلی اش، قصیده ای به زبان عربی سرود که در آن روح را به پرنده ای در قفس تمثیل می کند. بررسی سایر گزینه ها:

- ۱ نور، مفهومی است که سهروردی به کار می برد که البته او روح را نور نمی داند، بلکه خدا نور است و روح هم از نور بهره مند است و تلاش می کند به مشرق عالم برود.
- ۲ به نظر ملاصدرا، روح آخرین درجه تکاملی موجودات زنده در طبیعت است.
- ۳ ملاصدرا، اختیار و اراده را عامل به فعلیت رسیدن ظرفیت بی نهایت روح می داند.

تست و پاسخ ۶۲

کدام مورد می تواند توصیف درستی از مخلوقات، از دیدگاه سهروردی باشد؟

- اشیایی نورانی که با حقیقتی ظلمانی درآمیخته اند.
- اشیایی ظلمانی که بر اثر تابش نورالانوار، از نور بهره مند شده اند.
- واقعیتی که تفاوت آنان با یکدیگر را می توان براساس درجه نورانیتشان تبیین کرد.
- واقعیتی که بر اثر اختلافشان در میزان نور، سراسر مشرق تا مغرب عالم را فراگرفته اند.



از نظر سهروردی، هستی، مراتب نور است. هر چه بهره یک مخلوق از نور وجود بیشتر باشد، رتبه وجودی‌اش بالاتر است و موجودات بر اثر این تفاوت درجه، با یکدیگر متفاوت‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ و ۲ وی اساساً هستی را مراتب نور می‌داند و غیر از نور، چیزی وجود ندارد که نور بخواهد به آن بتابد یا حقیقتی باشد که بخواهد با نور، آمیخته گردد.
 ۳ از نظر وی مشرق عالم، خداوند است و مخلوق نیست.

تست و پاسخ ۶۳

کدام گزینه از شعر «بار دیگر از ملک قربان شوم / آن‌چه اندر وهم ناید آن شوم»، قابل برداشت است؟

- ۱) اشاره به ظرفیت بی‌نهایت روح انسانی دارد.
 ۲) اشاره به محدودبودن کمالات انسان دارد.
 ۳) اشاره به کمال حتمی و قطعی در انسان دارد.
 ۴) اشاره به کمال غیراختیاری انسان دارد.

پاسخ: گزینه ۱

(فلسفه یازدهم - درس ۱۰)

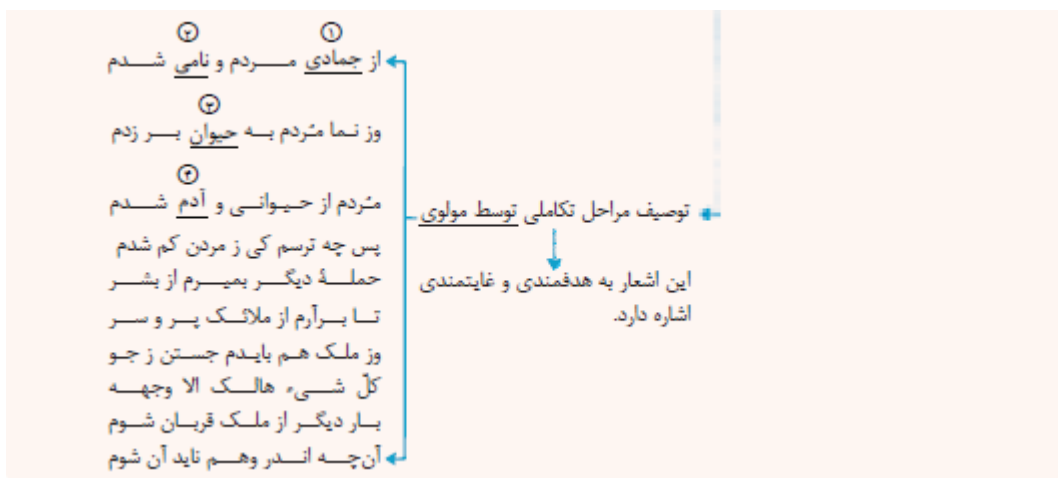
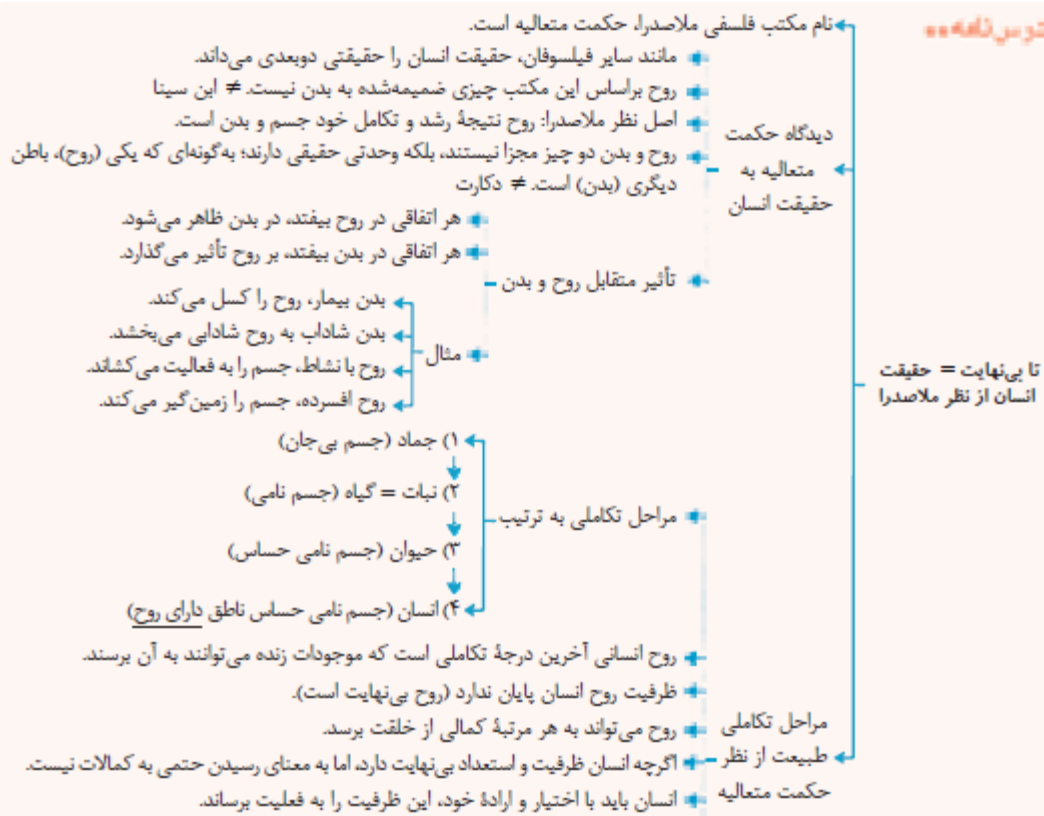
این شعر و ابیات ماقبل آن بیان می‌کند که انسان از مرتبه پایین جهان به بالاترین مرتبه جهان رسیده است و این یعنی ظرفیت روح انسانی بی‌نهایت و پایان‌ناپذیر است و تا جایی پیشرفت می‌کند که در وهم نیز نمی‌گنجد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ کمالات انسانی نامحدود هستند.

۳ اگرچه روح انسان ظرفیت و استعداد بی‌نهایت را دارد، ولی این به معنای رسیدن حتمی و قطعی به کمالات نیست.

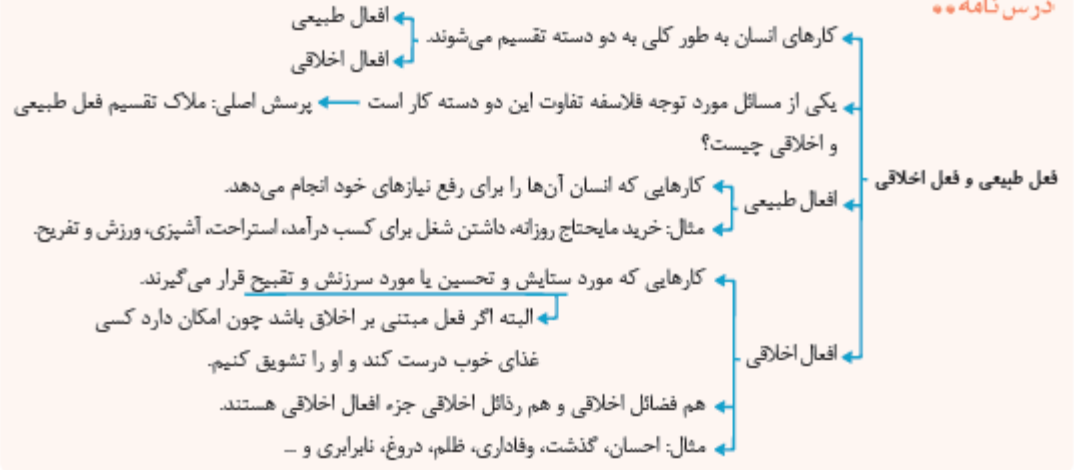
۴ کمالات به صورت اختیاری برای انسان ایجاد می‌شوند براساس سبک زندگی انسان‌ها.



تست و پاسخ ۶۳

درباره فعل اخلاقی کدام گزینه درست است؟

- فعل اخلاقی یعنی انسان برای رفع نیازهای خود به صورتی عمل کند که شایسته تشویق یا سرزنش اطرافیان قرار بگیرد.
- فعل اخلاقی فعلی است که صرفاً در جهت رسیدن انسان به سعادت باشد و عقل آن را تأیید کند.
- لزومی ندارد فعل اخلاقی در جهت سعادت باشد، بلکه آن‌چه مهم است ارتباط با سعادت است.
- فعل اخلاقی یعنی این‌که شهوت و غضب تحت کنترل عقل قرار بگیرند که در این صورت لزوماً سعادت مند خواهد شد.



پاسخ تشریحی: فعل اخلاقی کارهایی هستند که مورد ستایش یا تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می‌گیرند؛ بنابراین یک فعل اخلاقی می‌تواند یک عمل خوب یا یک عمل بد باشد؛ یعنی باید با سعادت ارتباط داشته باشد. یا در جهت سعادت است که فضیلت محسوب می‌شود یا خلاف جهت سعادت است که رذیلت محسوب می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- فعل‌هایی که انسان برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد، فعل طبیعی نامیده می‌شوند.
- فعل اخلاقی می‌تواند باعث رسیدن به سعادت یا باعث رسیدن به شقاوت گردد. (خوب یا بد)
- این عبارت فقط شامل فضیلت‌ها و کارهای اخلاقی خوب می‌شود و رذیلت‌ها را در بر نمی‌گیرد.

نکته: دقت کنید که فعل اخلاقی به دو دسته تقسیم می‌شود: فضیلت و رذیلت؛ فضیلت‌ها فعل‌های اخلاقی‌ای هستند که باعث رسیدن به سعادت می‌شوند و رذیلت‌ها فعل‌های اخلاقی‌ای که باعث رسیدن به شقاوت می‌گردند.

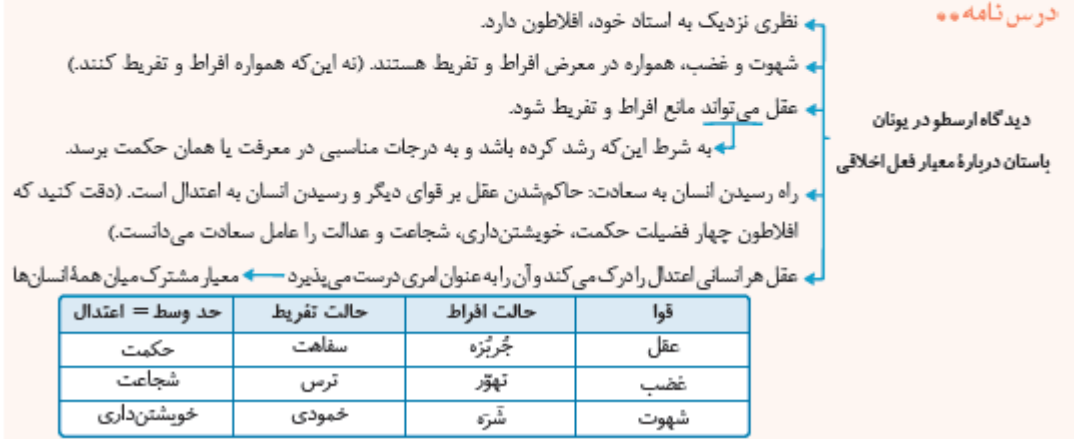
تست و پاسخ ۶۵

شرط لازم برای توانمندی عقل در جلوگیری از خروج قوای غضب و شهوت از حد اعتدال، طبق نظر ارسطو، چیست؟

- دور شدن عقل از سفاقت و تلاش برای رسیدن به افکار سعادت‌مندانه (۲) رشد عقل و رسیدن به درجات مناسب معرفت یا همان حکمت
- ایجاد هماهنگی میان قوای سه‌گانه و حکومت عقل بر سایر قوا (۴) متمایز شدن افعال اخلاقی و طبیعی از هم با معرفت بالای عقل

(فلسفه یازدهم - درس ۱۱)

پاسخ: گزینه ۲



پاسخ تشریحی: به اعتقاد ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند (خروج از حد اعتدال)، اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت (حکمت) رسیده باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- عقل باید به حکمت برسد، یعنی هم باید از سفاقت (حالت تفریط) دور شود و هم از جریده (حالت افراط).
- این گزینه بیانگر دیدگاه افلاطون درباره عدالت است.
- هیچ ارتباطی با نظر ارسطو ندارد.

کدام گزینه به ترتیب بیانگر وجه اشتراک و افتراق ماتریالیست‌ها و کانت در مسئله اخلاق است؟

- ۱) آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بیسند. - افعال طبیعی و اخلاقی به طور کامل از هم تفکیک نمی‌شوند.
- ۲) آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بیسند. - برای اخلاق‌مداری باید خود را تحت فرمان عقل قرار دهیم.
- ۳) منفعت انسان، در گرو منفعت دیگران است. - قواعد اخلاقی ارزش ذاتی ندارند؛ بلکه طبق وجدان پذیرفته شده‌اند.
- ۴) منفعت انسان، در گرو منفعت دیگران است. - علاقه فطری انسان به فضائل برای تحقق آن‌ها کافی نیست.

پاسخ: گزینه ۱

(فلسفه یازدهم - درس ۱۱)

درس نامه

دیدگاه فلاسفه طبیعت‌گرا و ماتریالیست درباره معیار فعل اخلاقی

- فلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بعد روحانی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی جست‌وجو می‌کنند.
- به عقیده آن‌ها فعل اخلاقی و فعل طبیعی را نمی‌توان کامل از هم جدا کرد.
- به نظر آن‌ها، انسان مانند سایر موجودات هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می‌دهد (علت) «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کاری می‌دهیم (قراردادی‌اند ≠ ذاتی و فطری)، بسته به این که آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان (معلول).
- قوانین اخلاقی**
- قانون اول اخلاقی: آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند، در این صورت است که می‌توانی یا دیگران زیست کنی.
- چون انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر به رعایت منفعت دیگران است تا منفعت خودش نیز حفظ شود.
- مبدأ زمانی ابداع قوانین اخلاقی: از زمانی که انسان دریافته نفع او در نفع دیگران است.
- اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری در واقع ارزش حقیقی ندارند، اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت دارند، آن‌ها را مراعات می‌کنیم.

پاسخ تشریحی

- هم کانت و هم ماتریالیست‌ها عقیده داشتند که آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند، البته با مبنای متفاوت، کانت این قاعده را بر مبنای وجدان می‌داند و ماتریالیست‌ها بر مبنای سود و زیان.
- ماتریالیست‌ها معتقدند افعال اخلاقی در همان افعال طبیعی ریشه دارند؛ پس نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل جدا کرد، اما کانت چنین نظری ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) وجه اشتراک کانت و ماتریالیست‌ها است. - بیانگر دیدگاه افلاطون است.
- ۳) بیانگر دیدگاه ماتریالیست‌ها است. - این که قواعد اخلاقی ارزش ذاتی ندارند، نظر ماتریالیست‌ها است، اما این که طبق وجدان پذیرفته می‌شوند، نظر کانت است.
- ۴) بیانگر دیدگاه ماتریالیست‌ها است. - بیانگر دیدگاه فلاسفه مسلمان است.

یا توجه به علامت هجاها، تقطیع هجایی و وزن کدام بیت به شکل زیر است؟

«U - - / - U - - / - U - - / - U - -» - U - - / - U - - / - U - - / - U - -»

- ۱) در غم‌آباد فلک رخسۀ آزادی نیست
- ۲) در معنیام فقیر و به‌صورت توانگرم
- ۳) بسیار می‌گفتم که دل با کس نیبندم ولی
- ۴) گل نسبتی ندارد با روی دل‌فریبست

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - مفهومی - عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

تقطیع هجایی و وزن بیت:

پس	یا	ر	می	گف	تم	ک	دل	با	گس	ن	پی	ون	م	و	لی
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دی	دا	و	خو	بان	بخ	ت	یا	رز	دس	ت	دا	تا	می	ب	رد
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مستعلن				مستعلن				مستعلن				مستعلن			

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱	ذر	ع	ما	با	د	فا	لک	رخ	ن	ی	ما	زا	دی	نیست	
-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-	-	-	-	-	
چش	م	تا	کا	ر	ک	ند	خل	قی	ی	دا	مس	تین	جا		
-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-	-	-	-		
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن			
۲	ذر	مع	نی	یم	فا	قی	ر	ب	صو	رت	ت	وان	گ	رم	
-	-	U	-	-	U	U	U	U	-	-	U	-	U	-	
چن	قن	چ	س	س	ت	خر	قی	ب	زی	ر	قی	با	م	را	
-	-	U	-	-	U	U	U	U	-	-	U	-	U	-	
مفعول				فاعلاتن				مفاعیل				فاعلن			

یا: «- - / - U - - / U U - U / - U - -» : مستعلن مفاعل مستعلن فعل

۳	گل	س	ب	تی	ن	دا	رد	با	رو	ی	دل	فا	ری	یت	
-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-	
ت	ذر	م	یا	ن	گل	ها	چن	گل	م	م	یا	ن	خا	ری	
-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	
مفعول				فاعلاتن				مفعول				فاعلاتن			

یا: «- - / - U - - / - - U / - -» : مستعلن فاعولن مستعلن فاعولن

۶۸ - وزن بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «گر از این منزل ویران به‌سوی خانه روم»
- ۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۳) فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن
- ۴) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط - مفهومی - عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

تقطیع هجایی و وزن بیت:

گ	ر	زین	من	ز	ل	وی	ران	ب	سو	ی	خا	ن	ر	وم	
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	
د	گ	ران	جا	ک	ر	وم	عا	ق	ل	فر	زا	ن	ر	وم	
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن			

(۱) این جهان چشم است و او چون مردمک (رمل مسدس سالم)

(۳) آهویی می‌تاخت آن‌جا بر مثال ازدها (رمل مثنیٰ محذوف)

(۲) بگفت ابروش تکبیری بزد چشمش یکی تیری (هزج مثنیٰ محذوف)

(۴) من ابروش او ماهوش او روز و من همچون شبش (رجز مسدس سالم)

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار - مفهومی - عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

پاسخ تشریحی:

تقطیع هجایی و وزن مصراع: رمل مثنیٰ محذوف

ءا	هو - هُ	می	تا	خت	ءان	جا	بَر	م	ئا	ل	ءژ	دَ	ها
-	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	فاعلاتن			فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلتن	

بررسی سایر گزینه‌ها:

ءین	ء	هان	چش	مَس	تَ	ءو	چَن	مَر	دَ	مک
-	-	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	فاعلاتن				فاعلاتن			فاعلتن		(رمل مسدس محذوف)

ب	ءف	ءب	رو	ش	ءک	بی	ری	ب	زَد	چش	مَش	ی	کی	تی	ری
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
	مفاعیلن			مفاعیلن				مفاعیلن		مفاعیلن		مفاعیلن	(هزج مثنیٰ سالم)		
مَن	ءب	ر	وَش	ءو	ما	ه	وَش	ءو	رو	زُ	مَن	هَم	چَن	شَ	بَش
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	مستفعلن			مستفعلن				مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن	(رجز مثنیٰ سالم)		

تست و پاسخ ۲۰

وزن قطعه شعر زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

این سال‌ها که می‌گذرد / چندان که لازم است / دیوانه نیستم / احساس می‌کنم که پس از مرگ / یک روز / دیوانه می‌شوم»

(۱) مستفعلن مفاعیلن فع / مستفعلن فعلن / مستفعلن فعلن / مستفعلن مفاعل مستف / مستف / مستفعلن فعلن

(۲) مفعول فاعلاتن فعلن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن

(۳) مستفعلن مفاعل فع / مستفعلن فعلن / مستفعلن فعلن / مستفعلن مفاعل فعلن / مستف / مستفعلن فعلن

(۴) مفعول فاعلاتن فعلن / مفعول فاعلاتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن / مفعول فاعلتن

پاسخ: گزینه ۱ (علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۱۱)

مشاوره

برای بررسی وزن شعر نیمایی بهتر است که هر قسمت را تقطیع کنید و با وزن‌های پیشنهادی گزینه‌ها مقایسه کنید.

نکته

در شعر نیمایی نیز مثل شعر سنتی وزن‌های دوگانه وجود دارد که قابلیت تقسیم‌بندی به دو صورت را دارد.

پاسخ تشریحی:

اِبْر	سا	ل	ها	ک	می	مُ	دَ	زد
-	-	U	-	U	-	U	U	-
	مستفعلن			مفاعیلن			فع	

چَن	دَا	کِ	لَا	زِ	هَسْت
-	-	U	-	U	U
مستفعلن			فعل		

دِی	وَا	یَ	نِی	سِ	تَمِ
-	-	U	-	U	-
مستفعلن			فعل		

اِح	سَا	سِ	مِی	کَ	تَمِ	کِ	بَ	سَز	مَرگ
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U
مستفعلن			مفاعیلُ				مستف		

یَک	رُوز
-	U
مستف	

دِی	وَا	یَ	مِی	شَ	وَمِ
-	-	U	-	U	-
مستفعلن			فعل		

تست و پاسخ ۷۱

در قطعه شعر نیمایی زیر، کدام اختیارات شاعری وزنی وجود دارد؟

«من به دنبال فضایی می‌گردم / لب بامی / سر کوهی دل صحرایی / که در آن جا نفسی تازه کنم»

(۱) قلب - ابدال

(۲) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن - ابدال

(۳) بلند در نظر گرفتن هجای پایانی - آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

(۴) قلب - بلند در نظر گرفتن هجای پایانی

در شعر نیمایی نیز مانند شعر سنتی تمام اختیارات شاعری می‌تواند رخ دهد.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس‌های ۸ و ۱۱)

پاسخ: گزینه ۲

مشاوره: بهترین راه پاسخ‌گویی به دست آوردن وزن شعر است و سپس مقایسهٔ ارکان با وزن اصلی شعر و تشخیص اختیارات به‌کاررفته.

پاسخ تشریحی

مِن	بِ	دُنْ	بَا	لِ	فَت	ضَا	یِی	مِی	گَر	دَم
-	U	-	-	U	U	-	-	-	-	-
فاعلاتن			فعلاتن				مفعولن			

در همین خط اول مشخص می‌شود که «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» آمده است و در رکن آخر به جای «فعلاتن»، «مفعولن» آمده است که ابدال است.

ن	پ	با	می
-	-	U	U
فعلاتن			

سَن	رَ	کُو	هِي	دِ	لِ	صَح	رَا	یِ
-	-	U	U	-	-	-	-	-
فعلاتن			فعلاتن				فَع	

کِ	دَ	رَا	جَا	نَ	فَ	سِ	تَا	زِ	مَی	تَم
-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-
فعلاتن			فعلاتن				فَعْلن			

۷۲ - پاسخ: گزینه ۲ ▲ مشخصات سؤال: ساده * علوم و فنون ادبی ۲ درس ۸

وزن صورت سؤال و گزینه ۲: فعلاتن فعلاتن فعلن

بررسی وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه ۳: مفتعلن مفتعلن فاعلن

گزینه ۴: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۷۳ - پاسخ: گزینه ۴ ▲ مشخصات سؤال: دشوار * علوم و فنون ادبی ۲ درس ۸

گش	ت	چَ	مَن	کُن	بِ	گَ	شَا	عُن	چَ	صِ	فَت	بَن	دِ	قَ	بَا
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱:

رف	ت	بَر	چَر	خِ	بَ	رین	کُو	کَ	بِ	یِ	دُو	لَ	تِ	مَا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	U	-	U	U	-
فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فعلن		

گزینه ۲:

خَا	کَم	پَ	سَز	فَر	سُو	دِ	گِی	رِی	زِی	دِ	دَر	مِی	دَا	نِ	اَو
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			

گزینه ۳:

رِ	سِی	دِز	رَ	هَان	شَا	هَ	خُو	بَان	پِ	یَا	دِ
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		

▲ مشخصات سؤال: متوسط * علوم و فنون ادبی ۲ درس ۸

۷۴ - پاسخ: گزینه ۱

وزن ابیات:

گزینه ۱: مفتعلن مفتعلن فاعلن (۳ پایه)

گزینه ۲: فعولن فعولن فعولن فعل (۴ پایه)

گزینه ۳: مستفعلن مستفعلن مستفعلن (۴ پایه)

گزینه ۴: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (۴ پایه)

▲ مشخصات سؤال: متوسط * علوم و فنون ادبی ۲ درس ۸ و علوم و فنون ادبی ۳ درس ۸

۷۵ - پاسخ: گزینه ۳

وزن این گزینه «فعولن فعولن فعولن فعولن» است که همسان است و هجای پایان مصراع اول «مند» کشیده است که بلند به حساب می آید. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: وزن «فاعلاتن مفاعلهن فاعلهن» ناهمسان است.

گزینه ۲: وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلهن» همسان است، اما هجای پایانی در هر دو مصراع بلند است و اختیار ندارد.

گزینه ۴: وزن «مستفعل فاعلاتن مستفعل» ناهمسان است.

▲ مشخصات سؤال: متوسط * علوم و فنون ادبی ۲ درس ۹ و علوم و فنون ادبی ۳ درس ۹

۷۶ - پاسخ: گزینه ۱

اغراق: رستم در مقابل من مانند پیرزنی می‌شود: اغراق در توانایی شاعر.

ایهام تناسب: کلمه «زال» (۱) پیرزن (درست) (۲) پدر رستم (معنای نادرست؛ متناسب با «رستم»)

استعاره مکنیه: «عشق» تشخیص و استعاره مکنیه دارد، زیرا دست نوازش بر سر شاعر می‌کشد.